

An Analysis on the Semantic Sign of Javaheri's Speech Process in Poems Adapted from Quranic Signs Based on the Tension Approach

Vol. 13, No. 6, Tome 72
pp. 261-287
January & February
2023

Ibrahim Fallah* 

Abstract

Javaheri, as one of the famous contemporary Arab poets, has spoken using the Quranic signs of novel productions in the world. Analyzing the poems of this poet based on the tension system and the elements of disconnection and disconnection can reveal the context of discovering the way of saying and the act of persuading the audience by this poet. In a system of tension, layers of pressure and scope create a pattern in communication and interaction with each other and form the structure of discourse. The present study, with a descriptive-analytical approach and the application of a stress model, tries to analyze the process of narration in poems adapted from Quranic symbols of the jewel. Based on this, four topics of Quranic concepts used in the poems were selected and while explaining the relationship between the poems and the verses of the narration process based on patterns of tension, connection and disconnection of discourse were examined. The results show that in some jewelry subjects, by using the elements of discourse connection from the said domain to the center of energy density, the movement and the process of producing meaning is directed from the range to the pressure to create an emotional flow for the audience. Some of the topics in this trend are completely reversed.

Keywords: Qur'anic signs, Jewel, poetry, tension, spelling.

Received: 21 January 2021
Received in revised form: 23 June 2021
Accepted: 19 July 2021

* Corresponding author: Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Islamic Azad University, Sari Branch, Sari, Iran; Email: Ebrahim.fallah@iausari.ac.ir,
ORCID ID: <https://orcid.org/0000000332561729>

In this research, the semantic sign analysis of Javaheri's narration process in poems adapted from Quranic signs has been discussed and investigated based on the tension approach. This research aims to analyze the process of using two emotional and cognitive aspects in the direction of narration by Javaheri in poems adapted from Quranic concepts by applying the theory of semiotics in the discourse system (tension scheme).

Accordingly, the most important questions of this research are:

1. Why do Javaheri's poems and his speech create tension in the poems adapted from Quranic concepts and have a fluid aspect in the studied work?

2. What is the role of the two elements of discursive connection and disconnection in semantic expansion and contraction and tension scheme in Javaheri's poems?

This research is based on the hypothesis that Javaheri does not follow a description of the world, the creation of man, the death and the narration of Moses in his poems, but in the lower layers of words, he has produced poetry and speech by recreating Quranic concepts.

This essay, with a descriptive and analytical approach, seeks to analyze the process of narration in the poems adapted from the Quranic symbols in describing the world, human creation, death and the narration of Moses by using the tension model, while explaining the relationship between the poems and the verses of the process to examine discourse based on tension scheme, discourse connection and disconnection.

The novelty of the research is that in relation to the analysis of some Quranic concepts in Javaheri's poems based on the tension system and elements of discursive connection and disconnection in order to discover the reproduction of Quranic concepts, no research has been done yet, and this research tries to do it.

The results obtained after analyzing the sign-semantic process of the verses showed that in the verses adapted from Quranic concepts, Quranic signs

together with other signs have formed a process that is directly responsible for the production of meaning.

These signs have caused the formation and production of large semantic collections in Javaheri's verses and have created fluid and dynamic types. In Javaheri's verses, where the Quranic signs are mentioned in re-creating concepts such as: human creation and death, the tension diagram is in a descending state. In this model, the emotional stress has been reduced and the cognitive range has been increased. The reason for this is that Javaheri is trying to convey to the audience that these matters are not merely emotional matters, but small matters and are located in the external world of language; But the same poet in the verses that refer to the story of Prophet Moses and seeks to express the concept of changing the status quo by using emotional pressure and increasing energy, follows an upward trend in the tension pattern in order to arouse the emotions of the audience to change the current condition. Therefore, it can be said that in the tension atmosphere of Javaheri's verses, both ascending and descending patterns have been used.

Also, in Javaheri's verses, the point was made that some of the cases were formed by overcoming the discursive connection of the disjunctive space and moving from the center of the speaker to the spoken environment to expand the discourse to new spaces, times and actors and moving the tension pattern from pressure to the extension. This state can be seen in verses with the topics of human creation and death. Instead, in topics such as the description of the world, the movement is formed from the speaker to the speaker and approaches the center of energy and increasing emotional pressure and the constriction of discourse.

By creating a tension atmosphere and creating a relationship between cognitive scope and emotional pressure in the verses adapted from Quranic concepts, Javaheri has been able to shape the act of speech for the purpose of persuasion and pursue the re-creation of meaning effectively.

[DOI: 10.52547/LRR.13.6.9]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1401.0.0.70.2]

[Downloaded from irr.modares.ac.ir on 2024-11-25]



دوماهنامه بین‌المللی

د ۱۳، ش ۶ (پیاپی ۷۲)، بهمن و اسفند ۱۴۰۱، صص ۲۶۱-۲۸۷

مقاله پژوهشی

<http://dori.net/dor/20.1001.1.23223081.1401.0.0.70.2>

تحلیل نشانه معنانشناختی فرایند گفته‌پردازی جواهری در اشعار مقتبس از نشانه‌های قرآنی براساس رویکرد تنشی

ابراهیم فلاح*

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، ساری، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۰۲

چکیده

جواهری به‌عنوان یکی از شعرای نامدار معاصر عرب با بهره‌گیری از نشانه‌های قرآنی تولیدات بدیعی در جهان سخن داشته است. تحلیل اشعار این شاعر براساس نظام تنشی و عناصر اتصال و انفصال گفتمانی می‌تواند زمینه کشف شیوه گفته‌پردازی و کنش مجاب‌سازی مخاطب توسط این شاعر را نمایان سازد. در نظام تنشی لایه‌های فشارهای و گستره‌ای در ارتباط و تعامل با یکدیگر نقش‌آفرینی می‌کنند و شاکله گفتمان را شکل می‌دهند. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی - تحلیلی و به‌کارگیری الگوی تنشی سعی بر آن دارد تا به تحلیل فرایند گفته‌پردازی در اشعار مقتبس از نشانه‌های قرآنی جواهری بپردازد. بر این اساس چهار موضوع از مفاهیمی قرآنی که در اشعار به‌کار گرفته شده انتخاب شد و ضمن تبیین ارتباط اشعار با آیات فرایند گفته‌پردازی براساس الگوهای تنشی، اتصال و انفصال گفتمانی موردبررسی قرار گرفت. نتایج حاصله نشان می‌دهد در پاره‌ای از موضوعات جواهری با بهره‌گیری از عناصر اتصال گفتمانی از حیطة گفته به مرکز تراکم انرژی حرکت و روند تولید معنا را از گستره به سمت فشاره سوق می‌دهد تا جریانی عاطفی را برای مخاطب ایجاد کند و در پاره‌ای از موضوعات این جریان روندی کاملاً عکس به‌خود می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: نشانه‌های قرآنی، جواهری، شعر، تنشی، گفته‌پردازی.

E-mail: Ebrahim.fallah@iausari.ac.ir

* نویسنده مسئول مقاله:

۱. مقدمه

نشانه‌شناسی^۱ به‌عنوان یک علم دارای نظریه‌هایی است که می‌توان برای آن سه سنت اصلی اروپایی، آمریکایی و روسی را در نظر گرفت. در سنت اروپایی بنیان‌های نظری نشانه‌شناسی را باید نزد دو زبان‌شناس سویسی (فردینان دوسوسور)^۲ و دانمارکی (لویی یلمسلف)^۳ یافت. مطالعات سوسور نظام نشانه‌ای را تبیین کرد که بیشتر مبتنی بر روابط دالی و مدلولی در سطح انتزاعی بود. در مقابل لویی یلمسلف با بیان نظریهٔ پلان‌های زبانی به جای روابط دالی و مدلولی، مجموعه‌های بزرگ نشانه‌ای (دو پلان صورت و محتوا) را که در تعامل با یکدیگر، فرایند نشانه - معنایی را تحقق می‌بخشند، در نظر گرفت. این سنت همان روشی است که بعدها مبنای تفکر گرمس^۴ در مکتب پاریس قرار گرفت و براساس آن نشانه - معناشناسی گفتمانی که به بررسی مجموعه‌های بزرگ گفتمانی در بافت‌های انسانی، فرهنگی، اجتماعی کنشی، عاطفی، حسی ادراکی و ... می‌پردازد شکل گرفت (شعیری، ۱۳۹۵، ص. ۲). فرایند نشانه معناشناسی به‌عنوان ابزاری مناسب جهت تجزیه و تحلیل کلام، به بررسی داده‌های انتزاعی تولید معنا در ژرف‌ساخت^۵ یک متن می‌پردازد.

در نشانه معناشناسی، معنا در گرو برنامهٔ منطقی و هدفمند نیست، بلکه آن به‌واسطهٔ وجود عامل حسی - ادراکی معنا را جریان سیال و پویا می‌داند که براساس رابطهٔ تنشی^۶ شکل می‌گیرد. نشانه‌شناسی تنشی ابزاری مناسب برای تحلیل فرایندهای گفتمانی است. بر همین اساس این جستار به دنبال تحلیل فرایند گفته‌پردازی^۷ اشعار محمدمهدی جواهری است که به‌نحوی مقتبس از مفاهیم و آیات قرآنی هستند. در این پژوهش ابیاتی از اشعار که در آنها نشانه‌های قرآنی مورد استفاده قرار گرفته‌اند انتخاب و مورد تحلیل واقع شده‌اند.

بخش عمده‌ای از منبع فکری جواهری از «قرآن» و «حدیث» تشکیل می‌شود که جواهری بارها در اشعار خود از آنها بهره برده است. مهم‌ترین اثر ادبی جواهری *دیوان شعر جواهری* است که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته و با نام *دیوان محمد مهدی جواهری* به چاپ رسیده است (الخیر، ۲۰۰۷، صص. ۸ - ۲۰). جواهری به‌دلیل قدرت شعری‌اش، امیرالشعرا و زعیم ادب عربی و به تمام معنی شاعر بود و تأثیراتی که از آیات قرآن در اشعار او مشاهده می‌شود، درحقیقت مَهر جاودانه بر آن زد.

سخن فرایندی است که در آن نمی‌توان روند تولید را از محصول آن جدا کرد. به عبارت دیگر عدم توجه به گفته‌پردازی در گفتمان، حصاری از ساختار زبانی را ایجاد می‌کند و به فهمی ناقص از گفته منجر می‌شود. بر همین اساس لزوم توجه به فرایند تولید معنا و گفتمان یا همان گفته‌پردازی امری ضروری است. امروزه نشانه‌معناشناسی^۱ خصوصاً نشانه‌شناسی تنشی را می‌توان ابزاری کارآمد در جهت تحلیل فرایند گفته‌پردازی دانست. از سوی محمد مهدی جواهری، شاعر نامدار عرب، با به‌کارگیری عناصر زبانی و بهره‌گیری از مفاهیم و نشانه‌های قرآنی سروده‌های بدیعی را در جهان شعر و سخن پدید آورده است. بر همین اساس مسئله‌ای که در اینجا مطرح است فرایند گفته‌پردازی جواهری جهت کنش متقاعدسازی در اشعاری است که به نحوی در آن‌ها با بازآفرینی مفاهیم قرآنی اقدام به تولید شعر و سخن کرده است.

این پژوهش سعی بر آن دارد تا با به‌کارگیری نظریه نشانه‌معناشناسی در نظام گفتمانی تنشی فرایند به‌کارگیری دو جنبه عاطفی^۲ و شناختی^۳ در جهت گفته‌پردازی توسط جواهری در اشعار مقتبس از مفاهیم قرآنی را مورد واکاوی قرار دهد. بر همین اساس مهم‌ترین سؤالاتی که این جستار به دنبال پاسخ‌گویی به آن‌هاست عبارت‌اند از:

۱. چرا اشعار جواهری و گفته‌پردازی وی در اشعار مقتبس از مفاهیم قرآنی ایجاد تنش می‌کند و در اثر مورد مطالعه جنبه سیال دارد؟
۲. نقش دو عنصر اتصال و انفصال گفتمانی در انبساط و انقباض معنایی و الگوی تنشی در اشعار جواهری چیست؟

۲. پیشینه پژوهش

در عصر حاضر با توسعه دیدگاه‌های زبان‌شناسی به‌ویژه نشانه‌معناشناسی، تحقیقات بسیاری در راستای تحلیل مؤلفه‌های زبانی (برپایه این نظریات) انجام شده است. از رهگذر تحلیل تولیدات زبانی، رویکرد نشانه‌معناشناسی در نظام گفتمانی تنشی، مورد عنایت بسیاری از پژوهشگران این عرصه بوده است و در همین راستا، نگارش‌های شعیری را می‌توان ممتاز قلمداد کرد. شعیری (۱۳۸۵) در کتاب تجزیه و تحلیل نشانه - معناشناختی گفتمان به صورت گسترده در پنج محور الگوی تنشی را تبیین کرده است. وی نشان داده است عملیات گفتمانی

تابع چه شرایطی است و چه عناصر در شکل‌گیری آن دخیل‌اند. همچنین در این کتاب به چگونگی تبدیل گفتمان هوشمند به میدان عملیاتی تأکید شده است که در آن گونه‌هایی متفاوت، نوین و ناآشنا تکثیر می‌شوند و جهت‌مندی گفتمان به سوی تولید معانی غیرمنتظره پیش خواهد رفت. از دیگر سو، به مطالعه بُعد شناختی گفتمان، جایگاه شناخت در گفتمان، و شگردهای آن در تولید، دگرگونی، بازسازی، تولید و تکثیر، حذف و ... پرداخته است. همچنین نگارنده با ارزیابی بُعد حسی - ادراکی^{۱۱} گفتمان، به سیال بودن معنا و ارتباط مستقیم با جریانات حسی و ادراکی اشاره می‌کند. در مجموع این مطالعه نشان داده است که معنا و فرایند تولید معنا، سازوکاری دارد که در همه گفتمان‌ها یکسان نیستند و این اثر تلاش دارد تا شرایط تولید معنا در گفتمان‌های گوناگون را مورد بررسی قرار دهد.

مقاله دیگری از شعیری با عنوان «تحلیل بازنمایی سکوت براساس کارکرد تنشی گفتمان در سینمای کیشلوفسکی» (۱۳۹۵) منتشر شده است. نگارنده در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به این پرسش اصلی پاسخ داده است که چگونه می‌توان با رویکردی گفتمانی و از منظر نشانه - معناساختی، نظام سکوت را در گفتمان فیلم سه رنگ: آبی مورد خوانش قرار داد و در این فرایند معناکاوای چه عوامل و متغیرهایی را باید در نظر داشت. مقاله «عبور از مربع معنایی به مربع تنشی: بررسی نشانه - معناساختی ماهی سیاه کوچولو» اثر عباسی و همکاران (۱۳۹۰) نیز به بحث نشانه - معناسازی اشاره کرد. این جستار از تحلیلی نشانه - معناساختی در داستان ماهی سیاه کوچولو سخن گفته و سعی دارد فرایند نشانه - معناساختی این گفتمان را براساس الگوی مطالعاتی گرمس مورد مطالعه قرار دهد.

رضایی نیز در مقالات سه‌گانه در مجله نقد ادبی/ایران (۹۶-۹۸-۹۹) با عناوین «تحلیل نشانه - معناساختی استعلای مکان در داستان کوتاه بزرگ بانوی روح من: خوانش پدیداری روایت»، «مؤلفه‌های گفتمانی، نشانه - معنایی و متنی دخیل در شکل‌گیری هویت روایی ادبی (مطالعه موردی داستان‌های کوتاه گلی ترقی)» و «تحلیل برهم‌کنش مؤلفه‌های نشانه‌شناختی و گفتمانی رقص در فرهنگ عامه قشقایی: مطالعه‌ای موردی در مکتب نشانه‌شناسی تارتو» می‌کوشد مشخص کند چگونه گفته‌پرداز با اتکا به تجربه حسی - ادراکی ناشی از هم‌حضور سوژه و دنیای اطراف راه را برای فضاشدگی مکان می‌گشاید و آن را تا مکانی استعلایی پیش

می‌برد و دریافتی تازه از «دیگری» و هستی به‌دست می‌دهد.

از دیگر تحقیقات مهم در این راستا می‌توان به‌کوشش مصطفوی و همکاران (۱۳۹۲) با عنوان «از کرامت جاهلی تا کرامت قرآنی؛ نشانه‌شناسی فرایندهای گفتمان کرامت در قرآن با تکیه بر الگوی تنشی» اشاره کرد. در این مقاله فرایندهای گفتمانی و صورت‌بندی نشانه - معنای کرامت در قرآن کریم، با تکیه بر الگوی تنشی مطالعه شده است. فرایندهای گفتمانی کرامت انسانی در قرآن کریم، در دو سطح تنشی محقق شده است: در سطح نخست، شاکله کرامت پیشینی (در فرهنگ جاهلی) در سطح دوم تنشی، «کرامت خاص» انسانی در پیوند با ایمان و عمل صالح انسان صورت‌بندی شده است. این کرامتِ عِندالله است که تنها مؤمنان و پرهیزکاران به آن دست می‌یابند.

پاکتچی و همکاران (۱۳۹۴) نیز در پژوهشی با عنوان «تحلیل فرایندهای گفتمانی در سوره قارعه، با تکیه بر نشانه‌شناسی تنشی» به‌دنبال فرایند تولید و تحلیل ساختار سوره قارعه براساس الگوی تنشی و میدان عملیات گفتمان بوده‌اند. پژوهش شریفی و نجم‌الدین (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل نشانه‌شناختی گفتمانی سوره الرحمن (مبتنی بر الگوی تنشی)» اشاره کرد. در این پژوهش نیز محورهای تنشی و معرفتی متن سوره در دو سطح جزئی آیات و کلی سوره و تأثیرات انگیزشی و معرفتی متن بر مخاطب پرداخته شده است. حاجی‌زاده و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله «بررسی فرایند موسیقی جزء سی قرآن کریم از دیدگاه نشانه معنانشناسی گفتمان (مبتنی بر الگوی تنشی)» چگونگی شکل‌گیری فرایند تنشی گفتمان را در برخی آیات جزء ۳۰ و موسیقی حاصل از آیات و تأثیر آن بر مخاطب را موردتحلیل قرار داده‌اند. اکبری‌زاده و محمصص (۱۳۹۶) نیز در پژوهشی با عنوان «نشانه‌شناسی گفتمان تبلیغی موسی(ع)» براساس الگوی تنشی با مطالعه شخصت آیه ابتدایی سوره شعرا به تحلیل گفتمان تبلیغی حضرت موسی^(ع) پرداخته‌اند.

باوجوداین تاکنون پژوهشی در رابطه با خوانش اشعار شعرای عرب همچون جواهری و کشف فرایند گفته‌پردازی از دیدگاه نشانه - معنا شناسی گفتمان تنشی صورت نگرفته است و پژوهش حاضر از این باب اولین کوشش محسوب می‌شود.

۳. چارچوب نظری

در این بخش به بنیان‌های نظری که پژوهش مبتنی بر آن‌هاست پرداخته خواهد شد:

۱-۳. گفته‌پردازی

گفتمان^{۱۲} عملی است که نمی‌توان در آن جریان تولید، یعنی گفته‌پردازی را از محصول آن یعنی گفته جدا کرد (شعیری، ۱۳۸۵، ص. ۲۸). گفته‌پردازی کنشی است که به تولید گفته منجر می‌شود. پس گفته محصول گفته‌پردازی است، اما گفته‌پردازی خود از یکسو در گفتمان‌های موجود در جامعه و فرهنگ ریشه دارد و از سوی دیگر، خود گفتمانی خاص را به وجود می‌آورد (شعیری، ۱۳۹۵، ص. ۱۲).

گفته‌پردازی را می‌توان در دو سیر پیشینی و پسینی دنبال کرد. در سیر پیشینی نقش عواملی که گفته‌پرداز تحت‌تأثیر آن‌ها اقدام به تولید متن کرده است موردتوجه قرار می‌گیرد که عموماً این عوامل در فرهنگ و اجتماع حاکم بر نویسنده ریشه دارد، اما در سیر پسینی نحوه صورت‌بندی معنا توسط گفته‌پرداز موردتوجه است. در این مرحله معانی کلان موجود در ژرف‌لایه‌های گفتمان توسط گفته‌پرداز صورت‌بندی می‌شوند و در قالب متن به مخاطب جهت القا انتقال می‌یابند. باید در نظر داشت که در این سیر پسینی گفته‌پردازی واقعیتی خارج از گفته نیست، بلکه به دلیل برجا گذاشتن رد پا و نشانه‌هایی در درون گفته بخش جدانشدنی آن محسوب می‌شود. گفته‌پردازی را می‌توان یک عمل ارتباطی دانست که طی آن گفته‌پرداز با تأثیر بر مخاطب به‌گونه‌ای عمل می‌کند که مخاطب به گفته وی اعتقاد یابد، بنابراین گفته‌پردازی کنش مجاب‌سازی است.

۲-۳. الگوی تنشی

نشانه - معنا شناسی گفتمان تنشی که متعلق به گستره نشانه‌شناسی پساگرماسی است، نخستین بار در اثر مشترک ژاک فونتنی^{۱۳} و کلود زیلیبربرگ^{۱۴} با عنوان تنش و دلالت معرفی شده است (مصطفوی و همکاران، ۱۳۹۲، ص. ۲۹).

عمل گفتمان عملی پیچیده است و فقط به حوزه احساسات محدود نمی‌شود، بلکه هوشمند

نیز بوده و به همین دلیل دربرگیرنده سلسله‌اطلاعات و شناخت‌هایی است که ما به دنبال پی‌بردن به شرایط تولید و چگونگی کارکرد آن‌ها در گفتمان هستیم (شعیری، ۱۳۸۵، ص. ۳۳). مهم‌ترین طرح‌واره فرایندی هوشمند در حوزه سخن، طرح‌واره تنشی^{۱۵} است که دو بُعد فشارهای^{۱۶} (قبض) و گسترهای^{۱۷} (بسط) دارد. فشار همان بُعد عاطفی است که از حساسیت بالایی برخوردار است و گستره همان بُعد هوشمند است که باعث گشایش، تعدد و فاصله می‌شود (همان، ص. ۳۴). به بیان روشن‌تر فضای تنشی فضایی است که از دو منطقه فشارهای و گسترهای تشکیل شده است. منطقه فشارهای منطقه‌ای شوشی^{۱۸} است که سوگیری آن بر درونه‌های عاطفی حضور سوژه متمرکز است؛ درحالی‌که منطقه گسترهای منطقه‌ای است که سوگیری آن بر دنیای بیرونی، کمی و شناختی متمرکز است. اگر گستره فضای تنشی، محدود و تقلیل‌یافته باشد ما با وضعیت متمرکز گسترهای مواجهیم؛ ولی اگر گستره فضای تنشی نامحدود و متکثر باشد، ما با وضعیت بسیط مواجهیم (شعیری، ۱۳۹۵، ص. ۴۲). همچنین فشاره یا همان انرژی درونی بُعد کیفی ادراک، گستره و استقرار در موقعیت‌های مکانی - زمانی بُعد کمی ادراک را می‌سازد (مصطفوی و همکاران، ۱۳۹۲، ص. ۳۰). در هماهنگی و تناظر با سطح محتوا و سطح بیان یلمسلف، فشاره ناظر به ساحت درونی و معرف سطح محتوا و گستره ناظر به سطح بیرونی و معرف سطح بیان است (Fontanille, 2006, p.38). مطالعه طرح‌واره تنشی نشان می‌دهد که چگونه دو گونه شناختی و عاطفی در تعامل باهم سبب تولید معنا می‌شوند. به عقیده شعیری (۱۳۹۵، ص. ۳۹) فرایند معناسازی با جریان‌های عادی، معمول یا رایج زبانی تزییق نمی‌شود. با فاصله گرفتن از شرایط معمول و رایج و عادی زبانی، گفتمان ارتقا می‌یابد. چنین ارتقایی توسط روابط تنشی صورت می‌گیرد که دو حوزه درونی و بیرونی زبان و سوژه را باهم مرتبط می‌سازد.

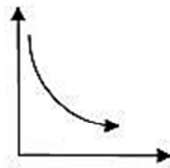
براساس نظریه ژاک فونتنی (2006, pp.66-67)، طرح‌واره تنشی فرایند گفتمان به چهار شکل است:

الف) طرح‌واره نزولی تنش

در این حالت فشار عاطفی کاهش و گونه‌های شناختی گسترش می‌یابد و در نتیجه معنا بسط می‌یابد. در این طرح‌واره فرایندی شکل می‌گیرد که می‌توان آن را گذر از تکانه عاطفی یا

هیجانی شدید به سوی نوعی گشودگی یا انبساط معنایی که همان گستره شناختی هستند تعبیر کرد (شعیری، ۱۳۸۵، ص. ۳۵).

قبض یا فشار عاطفی (کیفیت)



بسط یا گستره شناختی (کمیت)

نمودار ۱: طرح‌واره نزولی تنش

Diagram 1: Descending scheme of tension

ب) طرح‌واره افزایش فشار عاطفی

در این فرایند برخلاف فرایند قبلی فشار عاطفی افزایش و گستره شناختی کاهش می‌یابد. این طرح‌واره ما را به سوی آنچه می‌توان آن را اوج حضور عاطفی یا فشاره بالا نامید، هدایت می‌کند (همان، ص. ۳۷).

قبض یا فشار عاطفی (کیفیت)



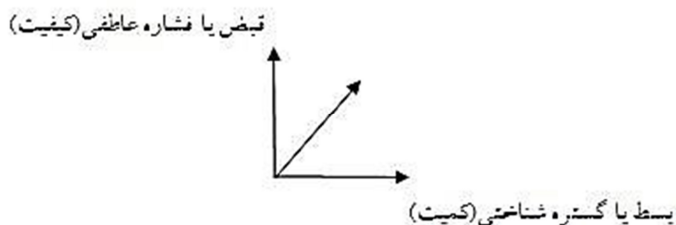
بسط یا گستره شناختی (کمیت)

نمودار ۲: طرح‌واره افزایش تنش

Diagram 2: Ascending scheme of tension

ج) افزایش همزمان فشاره و گستره

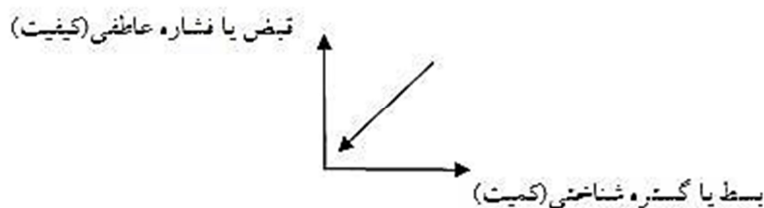
در این فرایند فشار عاطفی و گستره شناختی به صورت همزمان افزایش می‌یابد. در این طرح هیجانان و منطق شناختی همزمان با یکدیگر اوج می‌گیرند و افزایش یکی سبب کاهش دیگری نمی‌شود.



نمودار ۳: طرح‌واره افزایش هم‌زمان فشاره و گستره

Diagram 3: The scheme of the simultaneous increase of pressure and extension

د) کاهش هم‌زمان قدرت فشاره و گستره
در این فرایند به همان اندازه که از قدرت فشاره کاسته می‌شود قدرت گستره نیز در روندی نزولی قرار می‌گیرد.



نمودار ۴: طرح‌واره کاهش هم‌زمان فشاره و گستره

Diagram 4: The scheme of simultaneous reduction of pressure and extension

۳-۳. نشانه - معنا شناسی گفتمانی و طرح‌واره‌های تنشی

مطالعه نشانه از رویکرد ساختارگرایی سوسوری که مبتنی بر رابطه تقابلی صرف میان قطب‌های معنایی از پیش تعیین شده و سپس نظام گفتمان روایی گرمسی که برنامه‌گرا و برمبنای تغییر از وضعیت اولیه به ثانویه بود وارد حوزه جدیدی شد که نشانه - معناشناسی گفتمانی نامیده می‌شود. این رویکرد جدید با تأثیرپذیری از داده‌های مربوط به علم پدیدارشناسی دریچه‌ای بدیع در مطالعات نشانه - معنا شناسی به حساب می‌آید.

آنچه نشانه - معناشناسی به دنبال آن است، بررسی شرایط تولید و دریافت معنا در گفتمان است (شعیری، ۱۳۸۸، ص.۳۷). «همانگونه که امروزه اصول معنا - نشانه‌شناسی نوین بر آن

تکیه دارد، تولید زبانی نوعی عملیات است که منجر به شکل‌گیری معنا گردد، این معنا می‌تواند صریح یا انتزاعی باشد، در هر حال تولید زبانی جایگاهی است که از آنجا معنا نشانه گرفته می‌شود». فرایندی حرکتی است که از جایگاهی و با هدف پیش‌روی و دستیابی به گونه معنایی متفاوت شکل می‌گیرد و اگر هدفمندی آن را قبول کنیم باید اذعان داشته باشیم که این امر از سوی کسی است که تولید آن را پشتیبانی می‌کند. همین مسئولیت‌پذیری به هنگام تولید زبانی گفتمان خوانده می‌شود. گفتمان عملیاتی است که به تولید گفته منجر می‌شود.

هر گاه بحث گفتمان به میان می‌آید سخن نیز به یک امر یا جریان مرتبط با گفتمان مطرح می‌شود (همان، ۱۳۸۴، ص. ۱۸۸). همچنین الگوی تنشی نظام هم‌بسته و تعاملی و طیفی است. رابطه دو محور کمی و کیفی رابطه تنیده است. محور کمی شناختی و محور کیفی عاطفی است. نوسان روی محور رابطه قطبی را برهم می‌زند و رابطه تعاملی را جایگزین می‌کند و تأکید بر عناصر زبانی نشان می‌دهد عناصر زبانی و گفتمانی در اثر با یکدیگر رابطه تنیده دارند و این تنیدگی به وضعیتی سیال و غیرتعیینی یا غیرقابل پیش‌بینی منجر می‌شود.

۴. معرفی اجمالی جواهری

محمد مهدی جواهری شاعر شیعی عراقی، معروف به ابوفرات در سال ۱۹۰۰م در شهر نجف اشرف به دنیا آمد (فاخوری، ۱۳۸۲، ص. ۵۰۷). پدرش، عبدالحسین، از نوادگان شیخ محمد حسن نجفی بود. اولاد و نوادگان شیخ، نام خانوادگی خود را «جواهری»، «صاحب جواهر» و «جواهرالکلام» برگزیده‌اند. محمد مهدی در سن پنج سالگی و قبل از ورود به مدرسه خواندن و نوشتن را نزد برادرش فرا گرفته بود و بعد از ورود به مدرسه و اتمام کلاس پنجم از مدرسه بیرون آمد و به تحصیل علوم دینی و صرف و نحو و منطق و معانی و بیان پرداخت، همان‌طوری که همه افراد خانواده‌اش به این علوم می‌پرداختند (عطیه، ۱۹۹۸، ص. ۴۰). خانواده جواهری به واسطه انتساب به آل جواهر (صاحب کتاب جواهرالکلام) مورد احترام عام و خاص است. این خاندان، به اسم صاحب جواهر نامیده شدند و لقب جواهری به آنان اطلاق شد (آذرشب، ۲۰۰۶، ص. ۱۴۴). پدر جواهری مرد دین‌دار که علم و ادب و فقه را از جدش فرا گرفته و نکته‌بینی، طنزگویی، جرئت و شجاعت را از پدرش آموخته بود و آن‌ها را به فرزندش انتقال داد (بیضون، ۱۹۹۳، ص. ۱۶). محمد مهدی همراه و همگام با پدر، در محافل بزرگ علمی و ادبی

نجف شرکت می‌کرد و بارها پدر از وی می‌خواهد که در برابر جمع، سوره‌ای از قرآن بخواند و چقدر برای پدر باعث افتخار است، آن زمانی که اهل مجلس، محمد مهدی را نوه صاحب جواهر خطاب و قوه حافظه او را ستایش می‌کنند (عطیه، ۱۹۹۸، ص. ۴۰). جواهری بیشتر عمر خویش را در سفر به کشورهای مختلف آسیایی و اروپایی و برخی کشورهای آمریکایی گذرانده است. در مجامع مختلف فکری و ادبی و کنگره‌های ادبی نیز شرکت می‌کرد و طی این سفرها از سوی شیفتگان شعر مورد استقبال گرم واقع می‌شد. به علت مخالفت با سیاست‌های حکومت به سوریه تبعید شد (فلاح، ۱۳۹۸، ص. ۱۴۸) و سرانجام در تاریخ ۱۹۹۷م، در سن ۸۹ سالگی دور از وطن و در دمشق وفات یافت (ابوسعده، ۱۹۹۷، ش ۳۲). آرامگاهش در همان دمشق است (کاظمی، ۱۳۵۸، ص. ۶۲).

۵. تحلیل فرایند گفته‌پردازی در اشعار

اکنون مهم‌ترین آراء و اندیشه‌های قرآنی جواهری در دیوانش در چهار موضوع: توصیف دنیا، مرگ، خلقت انسان و داستان حضرت موسی (ع) از دیدگاه الگوی تنشی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۵. توصیف دنیا

جواهری در اشعار خودش بیشترین توجه را به مسئله دنیا و آخرت داشته است. از جمله در قصیده «منی شاعر» می‌سراید:

... سألتك ما معنی وجود مكوّن
 و هل هذه الدنيا سبيل لعابر
 و انسى ارانسى بين نوم و يقظه
 اسسبان حالى فى هنا او هنالك ۱
 اذنا لم تكن عقباه غير المهالك
 أم الأرض مهوأة لغوأة الهوالك
 (جواهری، ۱۹۷۲، ج. ۱/ص. ۱۲۰)

در این اشعار جواهری با نگاهی انتقادی به دنیا آن را محل عبور می‌داند و از سویی دیگر آن را فضایی برای طغیانگران برمی‌شمرد که مطمئناً در این دنیا پایدار نخواهند ماند و در بیت

آخر نیز خود را مورد خطاب قرار می‌دهد. در قرآن آمده است: «يَأْقَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَّعَ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ» (غافر: ۳۹): (ای قوم من جز این نیست که این زندگانی دنیا متاع و بهره است و همانا خانه آخرت است سرای آرامگاه). علامه طباطبایی ذیل این آیه آورده است: این مهم‌ترین سندی است که مؤمن آل فرعون سلوک سبیل رشاد و تدین به دین حق را به آن مستند نموده، که در هیچ حالی آدمی از آن بی‌نیاز نیست و آن عبارت است از این عقیده که آدمی بعد از زندگی ناپایدار دنیا زندگی ابدی و جاودانی دارد که عبارت است از زندگی آخرت، و این زندگی دنیا در آخرت متاعی است، و درحقیقت مقدمه‌ای است برای آن (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج. ۱۷/ص. ۳۳۲). همچنین در سوره عنکبوت آمده است: «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (عنکبوت: ۶۴): (و نیست این زندگانی دنیا جز هوسرانی و بازی و همانا خانه پسین است زندگانی اگر بدانند).

در سوره حدید نیز آمده است: «اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوٌ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَعْفَرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ» (حدید: ۲۰). این پنج خصلتی که در آیه شریفه سوره حدید ذکر شده، از نظر سنین عمر آدمی و مراحل حیاتش مترتب بر یکدیگرند، چون تا کودک است حریص در لعب و بازی است، و همین که به حد بلوغ می‌رسد و استخوان‌بندی‌اش محکم می‌شود علاقه‌مند به لهو و سرگرمی‌ها می‌شود، و پس از آنکه بلوغش به حد نهایت رسید، به آرایش خود و زندگی‌اش می‌پردازد و همواره به فکر این است که لباس فاخری تهیه کند، مرکب جالب توجهی سوار شود، منزل زیبایی بسازد، و همواره به زیبایی و آرایش خود بپردازد، و بعد از این سنین به حد کهولت می‌رسد. آن وقت است که (دیگر به این‌گونه امور توجهی نمی‌کند، و برایش قانع‌کننده نیست، بلکه) بیشتر به فکر تفاخر به حسب و نسب می‌افتد، و چون سالخورده شد همه کوشش و تلاشش در بیشتر کردن مال و اولاد صرف می‌شود.

بنابراین «غفلت»، «سرگرمی»، «تجمل»، «تفاخر» و «تکاثر» دوران‌های پنج‌گانه عمر آدمی را تشکیل می‌دهند.

در این اشعار جواهری از یک گسست گفتمانی به سمت پیوست گفتمانی حرکت می‌کند.

اتصال مکانی در واژگان: «هذه الدنيا»، «ام الارض» و اتصال عاملی در بیت پایانی در واژگان: «انی»، «ارانی» و «حالی» فضای گستره‌ای گفتمان را به سمت فشاره می‌برد و به بالا بردن انرژی و قبض گفتمانی منجر می‌کند. درحقیقت در این اشعار گفتمان از گفته به نقطه مرکزی میدان گفتمان و مرکز تجمع انرژی که محیط گفته‌پرداز است نزدیک می‌شود.



نمودار ۵: طرح تنشی فرایند گفته‌پردازی توصیف دنیا

Diagram 5: The tension diagram of the verbal process of describing the world

در این ابیات گفتمان موقت بودن دنیا با یک فضای احساسی پیوند می‌خورد و با سیر گفتمان به سمت فشاره انرژی عاطفی را افزایش می‌دهد. این گفته‌پردازی ناشی از یک حس نارضایتی از فضای این دنیا در بیت «و هل هذه الدنيا سبيل لعابر/ ام الارض مهواة لغواء الهوالک» است. کشاندن مخاطب به قبض گفتمانی می‌تواند حکایت از همسو کردن احساس مخاطب با احساس خود برای القای موضوع به وی باشد. درواقع این فرایند زایش معنا حاصل جریان عادی و معمول یا رایج زبانی نیست. گفته‌پردازی در این اشعار با فاصله گرفتن از شرایط معمول که دو حوزه بیرونی و درونی زبان را با سوژه مرتبط می‌سازد و تنش را شکل می‌دهد، انجام گرفته است.

۲-۵. خلقت انسان

داستان خلقت و آفرینش انسان از جمله موضوعاتی است که جواهری در اشعارش بدان پرداخته است آنجا که می‌سراید:

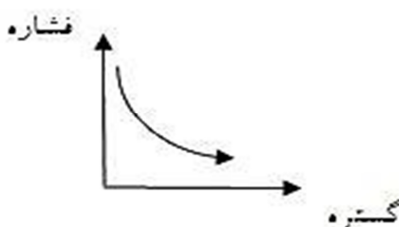
... سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبُّ الْمَرْءِ يَخْلُقُهِ
 صَلَاصَالَةً وَهُوَ مِنْ نَارٍ وَمِنْ شَرِّ
 اَزْبُيْهِ اِنَّهُ لَوْ قَيْدٌ مَحْتَفِظًا
 اَللّٰى النَّعِيمِ تَخَطَّاهُ اَللّٰى سَقَرًا
 (جواهری، ۱۹۷۲ ج. ۵/ص. ۳۱۶)

در این ابیات جواهری به خلقت انسان از گل خشک و خلقت شیطان از آتش و فرجام انسان براساس عملش اشاره دارد. سقر در لغت به معنای: «آتش شدید و از نام‌های جهنم» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج. ۴/ص. ۳۷۲) است.

اندیشه قرآنی جواهری که معتقد است انسان از گل خشک آفریده شده و شیطان از آتش در آیات بسیاری از قرآن مطرح شده است. در بیت فوق دو اشاره به آیات قرآنی وجود دارد. اول به آیه کریمه: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَلٍ مَسْنُونٍ» (حجر: ۲۸)؛ و هنگامی که گفت پروردگار تو به فرشتگان که همانا منم آفریننده بشری از گل خشک از گلی رنگ ریخته شده). صلصال در لغت به معنای برآمدن صدا از چیزی خشک و همچنین گل متعفن و گل خشک است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۴۸۸). دوم به آیه کریمه: «قَالَ مَا مَنَّكَ إِلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ» (اعراف: ۱۲)؛ (گفت چه چیز تو را بازداشت که سجده نیاوردی زمانی که به تو امر کردیم. گفت که من بهترم از او مرا از آتش آفریدی و او را از گل).

این ابیات با یک فضای گفت‌وگویی (سُبْحَانَ رَبِّكَ) آغاز می‌شود. در فضای گفت‌وگویی انرژی همچنان در مرکز عملیات و ناحیه گفته‌پردازی تجمع دارد، اما در ادامه ابیات با خروج از فضای گفت‌وگو و انفصال عاملی از توبه او فرایند گفتمان از محیط گفته‌پردازی به محیط گفته‌کشانده می‌شود. در این ابیات جواهری با ایجاد انفصال عاملی فرایند گفتمان را از فشاره به سمت گستره می‌کشاند. درحقیقت برخلاف آیه که بر پیوست گفتمانی و تجمع انرژی در محیط گفته‌پرداز مبتنی است اشعار جواهری بر گسست گفتمانی گفته‌پردازی شده است. این بدان معناست که گفته‌پرداز در اشعار در متن واقع نیست و نظاره‌گری بیرونی است. در این ابیات با گسست گفتمانی، گفتمان خودش را از جهانی که یک سر حضور بیان نشده است (فضای گفته‌پردازی)، از مرکز تراکم انرژی‌ها و فشارها جدا می‌کند و با افزایش گستره فضاها و لحظات جدید کشف می‌شوند و کنشگران دیگری به صحنه می‌آیند (ضمیر کاف و هاء و نعیم و سقر). نکته دیگر اینکه بسط و تفصیل معنا در بیت دوم بر سیر تدریجی افزایش گستره

می‌افزاید. شناختی که شاعر از سرنوشت انسان به مخاطب ارائه می‌دهد روند نزول تنش را ادامه می‌دهد. به‌نحوی شاعر در این فرایند معناسازی خلقت شیطان و انسان را امری بیرونی و در دنیای بیرون بیان می‌کند و با شناختی که ارائه می‌دهد سعی در تثبیت این موضوع برای مخاطب دارد.



نمودار ۶: طرح‌واره تنش‌ی فرایند گفته‌پردازی خلقت انسان

Diagram 6: The tension diagram of the process of human creation

۳۵. مرگ

مرگ سرنوشت محتوم بشر است و ریسمانی است که او را به ابدیت وصل می‌کند. به اعتقاد جواهری آنچه وقوع مرگ را آسان می‌کند، این است که هیچ راه فرار و گریزی برای انسان از مرگ وجود ندارد. آنجا که قضا و قدر حضور پیدا کند، احتیاط و فرار از مرگ سودی نبخشد (فلاح، ۱۳۹۸، ص. ۱۵۳) جواهری در قصیده‌ای در مرثیه علامه شیخ حسن فرزندی صاحب جواهر چنین سروده است:

خَـنـرِـتُ و مـاـنـا یـفـیـدُ الخـنـر
و مـمـا یُـهـوُنُ و قـعَ الجـمـام

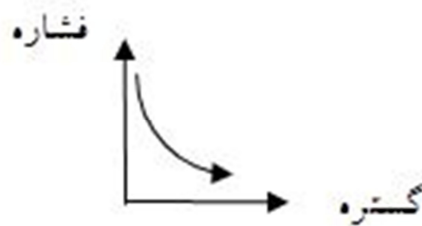
و فـوـقَ یـمـیـنـی یـمـیـنُ القـنـدَرُ
أَنْ لـیـسَ لِلمـرءِ مـنـهُ مَـفـرَـجٌ

(جواهری، ۱۹۷۲، ج. ۱، ص. ۳۴۵)

وی در این ابیات از قرآن مدد جسته است: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» (آل عمران: ۱۸۵). در تفسیر نمونه ذیل این آیه آمده است: «به‌دنبال بحث درباره‌ی لجاجت مخالفان و افراد بی‌ایمان، این آیه، اشاره به قانون عمومی مرگ و سرنوشت مردم در رستاخیز می‌کند، تا هم دلداری برای پیامبر (ص) و مؤمنان باشد و هم هشدار به مخالفان گناهکار» (مکارم شیرازی و همکاران،

۱۳۷۴، ج. ۳/ص. ۲۰۰). همچنین می‌توان به ارتباط ابیات با آیه «أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِككُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشَيَّدَةٍ» (نساء: ۷۸). این آیه نیز اشاره دارد که انسان در هر کجا که باشد و لو در حصارهای سخت استوار، مرگ او را درمی‌یابد و راه فراری از آن نیست.

اگر نگاهی به ابیات انداخته شود واژگان «ماذا يَفِيدُ الْحَذَرَ»، «يَمِينُ الْقَدَرِ»، «الْجَمَامِ»، «لَيْسَ لِلْمَرْءِ مِنْهُ مَقَرٌّ» همگی حکایت از تنزل درونۀ عاطفی دارند. درحقیقت نوعی ناامیدی در درون گفته‌پرداز شکل گرفته که انرژی بالا را کاهش می‌دهد و از حالت فشارۀ عاطفی می‌کاهد. تولید متن در این ابیات متأثر از فضای درونی و بیرونی حاکم بر گفته‌پرداز است. این امر را در انفصال گفتمانی به‌وسیله عنصر عاملی و خروج از مرکز تجمع انرژی به‌سمت ناحیۀ گفته نیز می‌توان مشاهده کرد. در این امر فرایند به هر مقدار که از ناحیۀ گفته‌پرداز خارج می‌شود از فشارۀ آن کاسته و به گسترۀ آن افزوده می‌شود. تغییر گفته‌پرداز از ضمیر من در واژگان: «حَذَرْتُ»، «يَمِينِي» به دیگری در واژه «لِلْمَرْءِ» سبب کاهش میزان انرژی در فرایند گفته‌پردازی شده است.



نمودار ۷: طرح‌وارهٔ تنش‌ی فرایند گفته‌پردازی مرگ

Diagram 7: The tension diagram of the process of speaking of death

۴۵. روایت موسی

ازجمله داستان‌های قرآنی که در اشعار جواهری بازنمود فراوانی دارد داستان حضرت موسی^(ع) است. داستان حضرت موسی ازجمله پرکاربردترین روایاتی است که در قرآن کریم بدان پرداخته شده به گونه‌ای که ۱۳۶ بار نام ایشان در قرآن ذکر شده است (حریری، ۱۳۸۴، ص. ۳۵۷). در ابیات زیر نمونه‌ای از این اقتباس توسط جواهری را می‌توان مشاهده کرد:

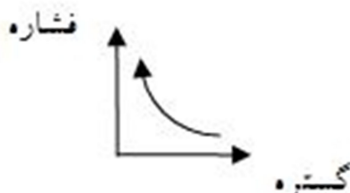
و عصر تَنَاهَضَ فِيهِ الْجَمَادُ عجيبٌ به يجُمُدُ النَّاهِضُونَ
 الا هَزَّةٌ تَسْتَتِيرُ الشَّعْرَ فقد يُدْرِكُ النَّهْزَةَ الثَّائِرُونَ
 الا قَبْسًا مِنْ شُعَاعِ الْكَلِمِ تعيد على الشرق يا «طور سينا» ٤

(جواهری، ۱۹۷۲، ج. ۱، ص. ۲۲۵)

شاعر در متن حاضر در تلمیحی گذرا و آشکار به بخشی از داستان موسی^(ع) اشاره دارد. شاعر در قصیده مذکور رکود مشرق‌زمین به‌خصوص عراق را مورد انتقاد قرار داده و عامل بدبختی‌های مشرق‌زمین را غرب دانسته است (مرادیان قبادی و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۱۱۹). جواهری در این اشعار جهت بیدار ساختن ملل شرق و غنا بخشیدن به مفاهیم و رسالت‌های شعری خویش و تفهیم و تثبیت آن در ذهن مخاطب، با اشاره به ماجرای کوه طور و رؤیت آتش توسط حضرت موسی^(ع)، سعی دارد پرتو و شعله‌امیدی در دل بیفزود و آرزوی نجات دوباره مشرق‌زمین را دارد.

در این اشعار نقصان و کنشی که در فضای شرق قرار گرفته سبب بروز تنشی در درون شاعر شده است و فضای کنشی به‌سمت فضای شوشی سوق داده شده است. فضای شوشی که ناشی از فعل مؤثر بایستن و تبدیل آن به خواستن در درون گفته‌پرداز شکل می‌گیرد. به عقیده ژاک فونتنی (۱۹۹۹، ص. ۶۷)، افعال مؤثر، برای تولید فضای عاطفی، باید حداقل دو شرط داشته باشند: در تعامل با یکدیگر قرار بگیرند و میزان‌پذیر باشند. در این حالت تنش تحقق می‌یابد و ساختار ارزشی خود را نمایان می‌سازد.

در این ابیات گفته‌پرداز ابتدا فرایند زایش معنا را با یک انفصال گفتمانی و گستره شناختی آغاز می‌کند. گفته‌پرداز به‌وسیله کنش القایی توسط تحریک (و عصر تناهض فیه الجماد) فرایند را آغاز می‌کند و از آنجا که به دنبال آن است که تمام احساس و عاطفه مخاطب را برانگیزد و سبب حرکت مخاطب شود کم‌کم با اتصال گفتمانی و شکل‌گیری گفت‌وگو فشاره عاطفی را افزایش می‌دهد و سبب تولید انرژی بالا می‌شود. اتصال گفتمانی که در نظام گفت‌وگو در بیت آخر در ابژه شرق و طور سينا شکل می‌گیرد. در این فرایند حرکت از گفته به محیط گفته‌پرداز و تجمع انرژی است که گفته‌پرداز با این عمل سعی در تهییج احساسات و بالابردن هیجان جهت تغییر وضع موجود در مخاطب را دارد.



نمودار ۸: طرح‌وارهٔ تنش‌ی فرایند گفته‌پردازی نشانه‌های داستان موسی^(ع)

Diagram 8: The tension diagram of the process of speaking the signs in the story of Moses

۶. نتیجه

پس از تحلیل فرایند گفته‌پردازی جواهری در اشعار مقتبس از نشانه‌های قرآنی براساس الگوی نشانه‌شناسی تنش‌ی نتایج ذیل حاصل شد:

۱. تحلیل فرایند نشانه - معناشناسی ابیات نشان داد که در ابیات مقتبس از مفاهیم قرآنی نشانه‌های قرآنی به همراه سایر نشانه‌ها در تعامل با یکدیگر در یک چالش قرار می‌گیرند و با یکدیگر فرایندی را رقم زده‌اند که مسئول مستقیم تولید معناست. این نشانه‌ها سبب شکل‌گیری و تولید مجموعه‌های بزرگ معنایی در ابیات جواهری شده‌اند و گونه‌های سیال و پویا و متکثر را ایجاد کرده‌اند.

۲. در ابیات جواهری در آنجا که از نشانه‌های قرآنی در بازآفرینی مفاهیمی چون: خلقت انسان و مرگ سخن رانده شده نمودار تنش‌ی در حالت نزولی قرار دارد. در این الگو از فشار عاطفی کاسته شده و بر گسترهٔ شناختی افزوده شده است. دلیل این امر این است که جواهری سعی دارد به مخاطب القا کند این امور اموری صرفاً عاطفی نیستند، بلکه اموری کمی و در دنیای بیرون زبانی قرار دارند؛ اما همین شاعر در ابیاتی که اشاره به داستان حضرت موسی^(ع) دارد و به دنبال بیان مفهوم تغییر وضعیت موجود است با بهره‌گیری از فشار عاطفی و افزایش انرژی روندی صعودی را در الگوی تنش‌ی دنبال می‌کند تا احساسات مخاطب را برای تغییر وضع موجود برانگیزد. بنابراین می‌توان گفت در فضای تنش‌ی ابیات جواهری از الگوهای صعودی و نزولی هر دو بهره گرفته شده و صرفاً به فضای تنش‌ی خاصی اکتفا نشده است.

۳. در ابیات جواهری شاهد آن هستیم که پاره‌ای از موارد با غلبه بر اتصال گفتمانی فضای انفصالی شکل گرفته و حرکت از کانون گفته‌پرداز به محیط گفته برای بسط گفتمان به فضاها، زمان‌ها و کنشگران جدید و حرکت الگوی تنشی از فشاره به گستره صورت پذیرفته است. این حالت را می‌توان در ابیاتی با موضوعات خلقت انسان و مرگ مشاهده کرد. در عوض در موضوعاتی چون توصیف دنیا حرکت از گفته به سمت گفته‌پرداز شکل می‌گیرد و به کانون انرژی و افزایش فشاره عاطفی و قبض گفتمان نزدیک می‌شود.

۴. به نظر می‌رسد جواهری به خوبی توانسته با ایجاد فضای تنشی و ایجاد رابطه میان گستره شناختی و فشاره عاطفی در ابیات مقتبس از مفاهیم قرآنی عمل گفته‌پردازی را جهت کنش مجاب‌سازی به خوبی شکل دهد و جریان زایش و بازآفرینی معنا را به نحوی مؤثر دنبال کند.

۷. پی‌نوشت‌ها

1. sémiologie
2. Ferdinand de Saussure
3. L. Hjelmslev
4. Greimas
5. Deep structure
6. tension
7. énonciation
8. sémantique sémiotique
9. affectif
10. cognitif
11. Sensori-perceptif
12. discourse
13. Jacques Fontanille
14. Claude Zilberberg
15. Tensive plan
16. Intensité
17. Extensité
18. state space

۸. منابع

- قرآن کریم
- ابن منظور، م. (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دارصادر.
- ابوسعده، ف. (۱۹۹۷)؛ *مجلة الاتحاد*. السنة الخامسة.
- اکبری زاده، ف.، و محمص، م. (۱۳۹۶). نشانه معناشناسی گفتمان تبلیغی موسی (ع). *جستارهای زبانی*، ۵، ۲۹۳-۳۱۸.
- بیضون حیدر، ت. (۱۹۹۳)؛ *محمد مهدی الجواهری شاعر العراق الاکبر*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- پاکتچی، ا.، شعیری، ح.م.، و رهنما، ه. (۱۳۹۴). تحلیل فرایندهای گفتمانی در سوره قارعه با تکیه بر نشانه‌شناسی تنشی. *جستارهای زبانی*، ۴، ۳۹-۶۸.
- جواهری، م.م. (۱۹۷۲). *دیوان جواهری*. ج ۱. به تحقیق ا. سامرائی، م. مخزومی، ع. جواهر الطاهر. عراق: مطبعة الأديب البغداديّة.
- جواهری، م.م. (بی تا). *دیوان جواهری*. تصحیح و جمع‌آوری ج. مرشدالداکی. بیروت: بی نا.
- حاجی زاده، م.، قهرمانی، ع.، و پرشور، س. (۱۳۹۵). بررسی فرایند موسیقی جزء سی قرآن کریم از دیدگاه نشانه‌شناسی گفتمان (مبنتی بر الگوی تنشی). *پژوهش‌های ادبی قرآنی*، ۳، ۹۱-۱۰۹.
- حریری، م.ی. (۱۳۸۴). *فرهنگ اصطلاحات قرآنی*. قم: هجرت.
- راغب اصفهانی، ح. (۱۴۱۲ق). *المفردات فی غریب القرآن*. بیروت: دارالعلم.
- شریفی، ح.، و نجم‌الدین، ف. (۱۳۹۳). تحلیل نشانه‌شناختی گفتمانی سوره الرحمن (مبنتی بر الگوی تنشی). *پژوهش‌نامه تفسیر و زبان قرآن*، ۱، ۴۷-۷۲.
- شعیری، ح.ر. (۱۳۸۵). *تجزیه و تحلیل نشانه - معناشناختی گفتمان*. تهران: سمت.
- شعیری، ح.ر. (۱۳۹۵). *نشانه‌شناسی ادبیات*. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- عباسی، ع.، و یارمند، ه. (۱۳۹۰). عبور از مربع معنایی به مربع تنشی: بررسی نشانه - معناشناختی ماهی سیاه کوچولو. *جستارهای زبانی*، ۳، ۱۴۷-۱۷۲.
- عطیه، ج. (۱۹۹۸). *الجواهری شاعر من القرن العشرين*. آلمان: منشورات الجمل.
- فاخوری، ح. (۱۳۸۲). *الجامع فی تاریخ الادب العربی*. تهران: شریعت.

- فلاح، ا. (۱۳۹۸). *آموزه‌های قرآنی در دیوان جواهری. جستارهای ادب عربی*، ۱، ۱۶۰-۱۴۵.
- کاظمی، ا. (۱۳۸۵). *وطنیات در شعر محمد مهدی جواهری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد بابل: دانشگاه آزاد اسلامی.*
- مرادیان قبادی، ع.ا.، میرزایی الحسینی، س.م.، و رهنما، ه. (۱۳۹۴). *بازتاب داستان قرآنی حضرت موسی (ع) در اشعار محمدمهدی جواهری. پژوهش‌های قرآنی در ادبیات*، ۱ (۳)، ۱۱۳-۱۳۸.
- مصطفوی، س.ح.، شعیری، ح.ر.، و رهنما، ه. (۱۳۹۲). *از کرامت جاهلی تا کرامت قرآنی؛ نشانه‌شناسی فرایندهای گفتمانی «کرامت» در قرآن با تکیه بر الگوی تنشی. تفسیر و زبان قرآن*، ۲، ۲۴-۴۲.
- مکارم شیرازی، ن.، قرائتی، م.، عبداللهی، م.، شجاعی، س.ح.، حسینی، ع.، امامی، م.ج.، و آشتیانی، م.ر. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الإسلامیه.*

References:

- *The Holy Quran*
- Fontanille, J. (2006). *The semiotics of discourse*. Heidi Bostic (Trans.). New York: Peter Lang
- Ibn Manzoor, M. (1414 AH). *Lesanollarab*. Beirut: Dar Sader. [In Persian].
- Abu Saada, F. (1997). *Al-Ittihad Magazine*: 5th year. [In Arabic].
- Akbarizadeh, F., & Mahsas, M. (2016). Semiotic analysis of Moses' Preaching Discourse. *Linguistic essays*, 5, 293-318. [In Persian].
- Bizon Haider, T. (1993). *Mohammad Mehdi Al-Jawaheri, The Great poet of Iraq*. Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya. [In Arabic].
- Paktchi, A., Shoairi, H.M., & Rahmana, H. (2014). Analysis of discourse processes in surah Qara'a based on tensive semiotics. *Linguistic Essays*, 4, 39-68. [In Persian].
- Javaheri, M.M. (1972). *Javaheri Selected Poems*. Volume 1. By A. Samrai, M.

- Makhzoumi, A. Jawaharlal Tahir Iraq: Al-Adeeb Al-Baghdadiyeh Publishing House. [In Arabic].
- Javaheri, M.M. (Beta). *Javaheri Selected Poems*. Editing and Collecting c. Murshid al-Daki Beirut: Bina. [In Arabic].
 - Hajizadeh, M., Ghahrani, A., & Parshor, S. (2015). Investigating the musical process of third part of the Holy Quran from the point of view of semiotics (based on tensive pattern). *Quranic Literary Research*, 3, 91-109. [In Persian].
 - Hariri, M.Y. (1384). *Dictionary of Quranic Terms*. Qom: Hejrat. [In Persian].
 - Ragheb Esfahani, H. (1412 AH). *Vocabulary in Qur'an*. Beirut: Darul Alam. [In Arabic].
 - Sharifi, H., & Najmuddin, F. (2013). The analysis of discursive semiotics of Surah Rahman (based on tension pattern). *Research Journal of Qur'an Interpretation and Language*, 1, 72-47. [In Persian].
 - Shairi, H.R. (1385). *Semiotic Analysis of Discourse*. Tehran: SAMT.[In Persian].
 - Shairi, H.R. (2015). *Semiotics of Literature*. Tehran: Tarbiat Modares University.[In Persian].
 - Abbasi, A., & Yarmand, H. (1390). Passing through the semiotic square to the tensive square: The Semiotic analysis of the little black fish. *Linguistic essays*, 3, 147-172. [In Persian].
 - Atiyeh, c. (1998). *Al-Jawahiri the Poet of the 20th Century*. Germany: Manshoorat Al-Jamal. [In Arabic].
 - Fakhouri, H. (1382). *Al-Jami in the History of Arabic Literature*. Tehran: Shariat. [In Arabic].
 - Fallah, A. (2018). Quranic teachings in Javaheri selected poems. *Essays on Arabic Literature*, 1, 145-160. [In Persian].
 - Kazemi, A. (1385). *Patriotism in the Poetry of Mohammad Mahdi Javaheri*. Babol Master Thesis: Islamic Azad University. [In Persian].

- Moradian Ghobadi, A.A., Mirzaei Al-Hosseini, S.M., & Rahmana, H. (2014). reflecting the Qur'anic story of prophet Moses in the Poems of Mohammad Mahdi Javaheri. *Quranic Researches in Literature*, 1(3), 113-138. [In Persian].
- Mostafavi, S.H., Shoairi, H.R., & Rahmana, H. (2012). From dignity of stupidity to Quranic Dignity; Semiotics of discourse processes of "Dignity" in Quran based on tensive Pattern. *Interpretation and Language of the Qur'an*, 2, 24-42. [In Persian].
- Makarem Shirazi, N., Qaraeti, M., Abdullahi, M., Shojaei, S.H., Hosni, A., Emami, M.J., & Ashtiani, M.R. (1374). *Tafsir Nemooneh*. Tehran: Dar al-Ketab Islamiyya. [In Persian].

معنای ابیات

۱. از تو پرسیدم معنای هستی پدیدآمده چیست؟ هنگامی که پایانش تنها نیستی و نابودی است. آیا این چنین نیست که این دنیا راهی برای گذر است و زمین سقوط گودال انسان‌های گمراه و نابودشدنی است.
من خود را میان خواب و بیداری می‌بینم؟ آیا حال من در خواب و بیداری مساوی است؟
۲. پاک و منزّه است، پروردگارت، خدای انسانی است که او را از گل و لای خلق کرده، درحالی که شیطان از آتش و جرقه آتش است.
آیا گناهکار است اگر در بند و زنجیر او را به بهشت ببرند (او) از آن روی گردانده و به سمت عذاب می‌رود.
۳. احتیاط کردم و احتیاط چه فایده‌ای دارد، درحالی که بالای دستم، دست قضا و قدر است.
آنچه مرگ را برای انسان آسان‌تر می‌کند، این است که از مرگ هیچ گریزی نیست.
۴. در روزگاری که جماد تحرک و جنبش دارد، شگفت است که صاحبان نهضت، خاموش و بی‌تحرک‌اند.
- آیا از جنبشی که ملت‌ها را به انقلاب و حرکت وا می‌دارد خبری نیست. امید است انقلابیان خیزش را در یابند.
- ای طور سینا! آیا دوباره پرتوی از آتش موسی کلیم‌الله به سوی شرق نمی‌فرستی؟